

An Introduction to the Analytical Model of Reconstruction of Historical Geography for a Precise Understanding of Imams' Words

Ehsan Purnoman¹

Seyyed Mohammad Kazem Tabatabai², Abd al-Hadi Masudi³

(Received on: 2021-07-03; Accepted on: 2021-11-06)

Abstract

Retrieving the surrounding information of hadiths leads to a more accurate understanding of Imams' words. The lack of this peripheral information sometimes causes an understanding different from that of the people of the Imams' time. The current paper seeks to find a distinctive model for the reconstruction of the peripheral information and context. Examining the science of new geography and using the historical geography analysis method are the ways to achieve this recovery. In this research, the concepts of new geography are first introduced. Then, the method of geographical analysis is adapted to the science of hadith. For this purpose, a speech of Imams is analyzed as a cultural view, and categories and concepts are examined in four sections: cultural topics of hadith, cultural areas of hadith, perspective of cultural geography of hadith, and cultural ecology of hadith. Finally, with the method of qualitative analysis, the categories that are in the subset of each section are placed and introduced in the form of a tree under the conceptual diagram. This inference and answering the questions that are raised under each section causes the production and retrieval of information about hadiths and leads to the clarification of the exact meaning of Imams' words. This method considers the words of the Imams (AS) as historical propositions full of widely used peripheral points and avoids a simplistic view of hadiths.

Keywords: Words of Imams (AS), Understanding of Hadith, Historical Geography, Cultural Geography, Cultural Perspective of Hadith.

-
1. Ph.D. Student of Quran and Hadith Sciences, Usul al-Din College, Qom, Iran (Corresponding Author), purnoman@gmail.com.
 2. Assistant Professor, Department of Nahj al-Balaghah, University of Quran and Hadith, Qom, Iran, tabatabae@qhu.ac.ir.
 3. Associate Professor, Department of Exegesis, Quran and Hadith University, Qom, Iran, masoudi@qhu.ac.ir.

درآمدی بر مدل تحلیلی بازسازی جغرافیای تاریخی برای فهم دقیق کلام امامان (ع)

احسان پورنعمان^۱

سید محمد کاظم طباطبایی^۲

عبدالهادی مسعودی^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵]

چکیده

بازیابی اطلاعات پیرامونی احادیث سبب فهم دقیق‌تر کلام امامان (ع) می‌شود. فقدان این اطلاعات پیرامونی گاه سبب فهمی متفاوت با زمان صدور می‌شود. این تحقیق به دنبال یافتن الگویی شاخصه‌مند، برای بازسازی این اطلاعات پیرامونی و فضای صدور است. بررسی دانش جغرافیای جدید و استفاده از روش تحلیل جغرافیای تاریخی راه رسیدن به این بازیابی است. در این تحقیق ابتدا مفاهیم جغرافیای جدید معرفی می‌شود؛ سپس روش تحلیل جغرافیایی با علوم حدیث بومی‌سازی می‌شود. بدین منظور، کلامی از امام (ع) به مثابه چشم‌اندازی فرهنگی تحلیل می‌شود و مقولات و مفاهیم در چهار بخش موضوعات فرهنگی حدیث، حوزه‌های فرهنگی حدیث، چشم‌انداز جغرافیای فرهنگی حدیث و بوم‌شناسی فرهنگی حدیث بررسی می‌گردد. در نهایت، با روش تحلیل کیفی مقولاتی که در زیرمجموعه هر کدام از این بخش‌ها قرار دارند، همانند درختواره ذیل نمودار مفهومی قرار می‌گیرد و معرفی می‌شود. ادامه این استنتاج و پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی که ذیل هر بخش مطرح می‌شود، سبب تولید و بازیابی اطلاعات پیرامون حدیث تحت بررسی می‌شود و به روشن شدن مفهوم دقیق کلام امام (ع) می‌انجامد. این روش کلام امامان (ع) را به عنوان گزاره‌ای تاریخی و مشحون از نکات پُرکاربرد پیرامونی می‌نگرد و از نگاه بسیط به احادیث پرهیز می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: کلام امامان (ع)، فهم حدیث، جغرافیای تاریخی، جغرافیای فرهنگی، چشم‌انداز فرهنگی حدیث.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول‌الدین، قم، ایران (نویسنده مسئول) pumoman@gmail.com

۲. استادیار گروه نهج‌البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران tabatabae@qhu.ac.ir

۳. دانشیار گروه تفسیر، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران masoudi@qhu.ac.ir

درآمد: مسئله موجود در فهم کلام امام (ع)

احادیث شیعی در گستره تاریخی وسیعی (در حدود سه قرن) صادر و در دورانی طولانی تر، ثبت و تدوین شده است. این گستره وسیع زمانی و تعداد امامان (ع) تعلیم دهنده، و طیف های گوناگون، و گهگاه متضاد بهره‌وران احادیث، سبب شده است امروزه با مجموعه ای متنوع از میراث حدیثی منقول از نحله های مختلف فکری، فقهی، عقیدتی، که در جغرافیاهای متفاوت، و فرهنگ و سنت های گوناگونی می زیسته اند، مواجه باشیم؛ تنها نقطه پیوند این مجموعه گونه‌گون، نیازمندی به امام (ع) بوده است. تغییر فضای صدور کلام امامان (ع) سبب شده است ذهنیت های امروزی، برای فهم کلام امامان (ع) نیازمند بررسی های جنبی بسیار باشد. اصلی ترین عوامل پیرامونی که باید به آن توجه کرد عبارت است از:

زمینه ها و دلایل نیازمندی به بازبانی اطلاعات پیرامونی کلام امام (ع)

الف. مجموعه عوامل فضای صدور کلام امام (ع)؛ این دسته عوامل بر نحوه بیان کلام امام (ع) تأثیرگذار، و شایسته بررسی است؛ عواملی همچون تقیه و مجموعه عوامل تفاوت بیان امام (ع)، طبقه بندی امامان (ع) از معارف، ضمیمه های تاریخی ناظر به متن، و مفهوم واژگان در دوره کهن را می توان نام برد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۱)؛ همچنین، از فوائد بررسی فضای صدور، جداسازی قضایای حقیقیه از قضایای خارجی است.

ب. مجموعه عوامل صدور کلام امام (ع)؛ صدور کلام امام (ع) بیشتر به دنبال پرسش راویان است یا اگر امام (ع) فی البداهه به مطلبی اشاره می کند، آن کلام ناظر به مطلبی مطرح در ذهن راوی یا اذهان عمومی یا ناظر به فرهنگ عمومی یا واقعه ای خارجی است؛ مبحث اسباب ورود حدیث امروزه گستردگی بیشتری یافته است.^۱

ج. مجموعه عوامل اختلاف و تعارض حدیث؛ بخش سوم مجموعه عواملی است که سبب ایجاد اختلاف یا تعارض در حدیث می شود. «عوامل پُرشمار و گوناگونی ممکن است

سبب اختلاف در احادیث شوند، که بیشتر آنها ناظر به فضای صدور و مخاطب‌اند» (همان: ۴۵۴). همچنین، بررسی مبحث اختلاف حدیث، فوایدی همچون تبیین خاستگاه اختلاف، رفع توهمات موجود، و راه‌حل‌های رفع آن را در بر دارد (همان).^۲

د. مجموعه عوامل مؤثر در فرهنگ روایتگری شیعی؛ راویان شیعه همانند راویان اهل سنت، در طول زمان و به خصوص از زمان امام باقر (ع) مجموعه قوانین ضابطه‌مند و نانوشته‌ای را برای تحمل و نقل احادیث تدوین کردند؛ این مجموعه را با واکاوی می‌توان بازسازی کرد و آن را فرهنگ روایتگری شیعی (پورنعمان، ۱۳۹۰: ۲۱۳) نامید. ضابطه‌های اعمال شده این مجموعه، که گزارش‌های تاریخی صحیحی بر تداوم آنها دلالت کند، گاه می‌تواند به یافتن قرائین و عوامل بیرونی کمک کند.

جمع این چهار دسته، به دنبال اثبات نیازمندی ذهنیت‌های دوره متأخر، به اطلاعاتی تکمیلی است که در روزگار نخست در ذهن شنونده کلام امام (ع)، موجود بوده و نیازی به واردکردن آن در متن حدیث نبوده است؛ یعنی استفاده از کلام امام (ع) بدون توجه به این عوامل، در حقیقت بریدن این بخش بیرونی (متن حدیث) از معانی ذهنی متصل به آن است.

پیشینه

پژوهش‌های حدیثی معاصر به صورت مبسوطی^۳ به مبحث تاریخ حدیث^۴ پرداخته‌اند. هدف این مبحث جلوگیری از نگاه بسیط و محروم‌ماندن از فهم عمیق آموزه‌های دینی است و به بستر پیدایش سخن امام (ع) و فواید آن توجه می‌دهد.^۵ مبحث «تاریخ حدیث شیعه» سابقه‌ای کمتر از نیم قرن داشته و در ادامه از حدود دو دهه قبل، مباحثی تخصصی‌تر با عنوان «حوزه‌ها و مکاتب حدیثی» برای شناخت ریزبینانه بستر نقل احادیث و عوامل مؤثر بر آن شکل گرفت. در جمع‌بندی می‌توان گفت ابتدا برای معرفی دقیق این بستر و عوامل مؤثر بر آن، حدیث را از زاویه تاریخ بررسی کردند و با روشن شدن فواید این گونه

نگرش، حدیث را از زوایای تاریخ و جغرافیا به صورت مجزا کاویدند؛ یعنی بررسی مجزا در دو زمینه جداگانه برای یافتن وقایعی که در تاریخ و جغرافیای مذکور رخ داده است. این روش روزبه‌روز در حال تکمیل است و به تأملات عمیقی در حوزه حدیث منجر شده است.

وجه برتر تحقیق پیش رو

تکمله اول: تفکر در سیر حرکت در این مسیر، این فرضیه را برای تحقیق جاری ایجاد کرد که برای تکمیل سیر کنونی که تاریخ و جغرافیا را جداگانه بررسی می‌کند، می‌توان با روش جغرافیای تاریخی مطرح‌در اندیشه‌های جغرافیایی جدید و با بررسی توأمان تاریخ و جغرافیا به تحلیل حدیث پرداخت؛ زیرا مباحث جغرافیای تاریخی در دانش جدید جغرافیا به همین روش به صورت گسترده و شاخصه‌مند، عناصر و وقایع اجتماعی را تحلیل می‌کند.

تکمله دوم: تحقیقات جاری تاریخ حدیث و حوزه و مکاتب حدیثی فعلی، در عین سودمندی بسیار، هنوز نتوانسته است مستقیماً و تحت یک نظام به برداشت‌های حدیثی متصل شود.^۶ وصل کردن تحقیقات جغرافیای تاریخی به فقه الحدیث یکی از اولویت‌های این زمینه است. این تحقیق در صدد است نظامی شاخصه‌مند را برای تحلیل و افزودن اطلاعات محققان پیشنهاد دهد.

در این زمینه لازم است به نکات ذیل توجه کنیم:

۱. مقولاتی که در این مدل تحلیلی استفاده شده، همگی در مباحث فقه الحدیث، تاریخ حدیث، حوزه‌ها و مکاتب حدیثی و دیدگاه‌های رجالی و فهرستی به عنوان روش‌هایی برای فهم دقیق‌تر و استنباط صحیح از متن محل تأکید قرار گرفته است. تحقیق پیش‌رو صرفاً مدلی تحلیلی بر پایه تلفیق و کاربردی کردن مفاهیم این پنج حوزه پیرامونی علوم حدیث، با استفاده از روش‌های جدید تحلیل جغرافیای تاریخی ارائه کرده است.

۲. دسته‌ای از این اطلاعات برآمده از تحلیل حدیثی است که به عنوان گزاره‌ای تاریخی بررسی می‌شود؛ بخش دیگری از این اطلاعات، همانند زمینه‌های بریده شده از متن بوده که بازیابی می‌شود؛ این دسته گرچه از متن برنیامده‌اند، اما از فرهنگ، مکان، زمانه صدور یا تدوین کلام امام (ع) خبر می‌دهند و پژوهشگر را با فضای صدور آشنا می‌کنند. ممکن است تمامی مقولاتی که در مدل تحلیلی ارائه می‌شوند، در یک کلام امام (ع) (با توجه به معنای کلیدواژه) زمینه‌ای برای پژوهش نداشته باشند. آنچه هدف این مدل تحلیلی است گسترش دامنه اطلاعات پژوهشگر در زمینه فهم صحیح است و حذف برخی امور از این مدل، سبب نقص در نتیجه نخواهد شد. برای آنکه بتوان از سنجه‌های جغرافیایی در این مبحث بهره برد، ابتدا بررسی مختصری از مفاهیم جغرافیایی مرتبط بیان می‌کنیم؛ در ادامه، با معرفی حلقه واسط و نحوه بومی سازی این مفاهیم در علوم حدیث می‌کوشیم قواعدی برای اندیشه در این زمینه معرفی کنیم.

تعریف کلام امام (ع)

در تحقیق پیش رو کلیدواژه «کلام امام (ع)» به عنوان غایت بحث، جایگزین واژه «حدیث» شده است.

دلیل اول: این تحقیق به دنبال یافتن قواعدی برای فهم دقیق مفهومی است که امام (ع) اراده کرده است، نه صرفاً فهم متنی که حاکی از آن است. با این دیدگاه، حدیث تا زمانی که با افزودن اطلاعات پیرامونی به جایگاهی نرسیده که حاکی از کلام امام (ع) باشد، اهمیت واقعی‌اش را نیافته است (همان‌گونه که در بحث اختلاف و تعارض، با تردید بر صدور حدیث متعارض، هرگز به عنوان کلام امام (ع) مطرح نمی‌شود).

دلیل دوم: قواعدی که در این تحقیق معرفی می‌شود برای بازسازی جغرافیای تاریخی مفهومی است که امام (ع) اراده کرده است؛ این مفهوم ممکن است بخشی از یک حدیث،

یک یا چند حدیث، از یک یا چند امام (ع)، یا یک خانواده حدیث باشد؛ حتی ممکن است سیر تطور یک مفهوم ارائه شده در احادیث، در دوره یا دوره‌هایی تاریخی باشد. در حقیقت، منظور از «کلام امام (ع)» در تحقیق پیش رو، واحد تحلیلی است که امکان دارد مشتمل بر چندین حدیث از امامان (ع) گوناگون باشد.

جستارهای پیشینی

تعریف «جغرافیا»

«جغرافیا» (Geography) واژه‌ای عربی شده از اصلی یونانی است. این دانش به مطالعه سطح زمین و پدیده‌ها و ویژگی‌های زیستی و طبیعی آن می‌پردازد. امروزه وظایف جغرافی دانان گسترش یافته و در دوره کنونی علاوه بر عوارض طبیعی زمین، توزیع اجتماعات انسانی و اثرگذاری متقابل طبیعت و انسان نیز بررسی می‌شود. از این رو جغرافیا را می‌توان به دو بخش اصلی قسمت کرد: جغرافیای طبیعی و جغرافیای انسانی («جغرافیا»، <https://fa.wikifeqh.ir>). گنجی، به عنوان پدر جغرافیای جدید ایران، «جغرافیا» را این‌گونه تعریف می‌کند: «جغرافیا آن قسمت از دانش بشری است که از مشخصات و نواحی مختلف زمین و پراکندگی پدیده‌های گوناگون سطح زمین، اعم از طبیعی و انسانی، و بالأخره از روابط انسان و محیط که خود باعث به وجود آمدن پدیده‌های انسانی است و نیز از روابط متقابل پدیده‌های فوق بحث می‌کند» (شکویی، ۱۳۸۹: ۲۳).

اندیشه‌های نو در جغرافیا

جغرافیا در عصر جدید از قالب سنتی‌اش درآمد و محققان این رشته، توجه به مسائل اجتماعی و تحلیل مسائل اجتماعی بر مبنای تقسیمات جغرافیایی را در دستور کار قرار داده‌اند. حسین شکویی^۷ علم جغرافیا را در دوره سوم تاریخی‌اش می‌بیند که در دوره کنونی این علم، به همراه نظریه‌ها و اندیشه‌ها، در جهت رفاه اجتماعی به تغییر شکل محیط

زندگی دست می‌زند.^۸ همچنین، علم جغرافیا را این‌گونه تعریف می‌کند: «جغرافیا روابط متقابل انسان و محیط و یا انسان و مکان را با میانجی‌گری فرآیندهای نهادی و ساختاری مطالعه می‌کند» (شکویی، ۱۳۹۴: ۲۸۷).

جغرافیای تاریخی

در نگاه سنتی، جغرافیا را علم مکان، و تاریخ را علم زمان می‌دانند؛ اما در واقع جغرافیا علم (فضا و زمان) است و زمان به عنوان بُعد چهارم فضا باید مد نظر قرار گیرد. بر پایه نگرش صحیح‌تر، جغرافیای تاریخی بر اساس سه عامل انسان، زمان و فضا به وجود می‌آید. در این مبحث لازم است بین این دو نوع مقوله، یعنی «جغرافیای تاریخی» و «تاریخی که در مکانی جغرافیایی به وقوع پیوسته» تفاوت‌هایی لحاظ کنیم؛ «تاریخ قلمرو و جغرافیای تاریخی هر دو در پی بازسازی گذشته، حول محور مکان معینی هستند؛ اما یکی در پی بازسازی محیطی در گذر زمان، با محوریت مکان (تاریخ محلی) و دیگری (جغرافیای تاریخی) در پی بازسازی وقایع و جریان‌های اجتماعی گذشته در مقیاس محلی معین با محوریت انسان است» (نورایی، ۱۳۹۰: ۶). در حقیقت، با این نگرش، جغرافیای تاریخی بیشتر در حوزه جامعه‌شناسی نقش‌آفرینی می‌کند.

جغرافیای فرهنگی

جغرافی‌دانان از این دریچه به فرهنگ می‌نگرند که بتوانند مؤلفه‌ها، الگوها و ابعاد فضایی فرهنگ را که در چشم‌انداز جغرافیایی نمود پیدا می‌کند شناسایی کنند. شکل‌گیری و پیدایش جغرافیای فرهنگی پس از جنگ دوم جهانی و با برپایی نهضت‌های گوناگون در علوم میان‌رشته‌ای آغاز شد. از دید جغرافیا‌گاه تمامی شئون فرهنگ با عنوان «نظام فرهنگی» به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. شیوه زندگی مشتمل بر عقاید، نگرش‌ها، ارزش‌ها و ...
۲. عملکردهای فرهنگی مشتمل بر هنر، ادبیات، معماری و تمامی مصنوعات بشر.

دیدگاه‌های جغرافیای فرهنگی جدید

در سال‌های اخیر جغرافیای فرهنگی با سرعتی محسوس از نمودهای^۹ عینی و فیزیکی فرهنگ (جلوه‌های تمدنی) فاصله گرفته و به تدریج به سوی معانی و لایه‌های درونی فرهنگ، باورها و ارزش‌ها در حال سیر و انتقال است. نکته سزاوار توجه در جغرافیای فرهنگی جدید این است که سیر تحول موضوعات از دسته اول در گذشته، و حرکت به سوی دسته آخر، به عنوان عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگ، در حال توسعه است؛ و تمایل دارد از اندیشه‌های فرهنگ، بر مبنای واقعیات عینی و مادی دوری کند (مهدوی و احمدی، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

چشم‌انداز فرهنگی

«هر چشم‌انداز جغرافیایی یک همبستگی مشخص از فرم‌های طبیعی و فرهنگی را به نمایش می‌گذارد، و روح هر مکان در چشم‌انداز منعکس می‌شود و با داشتن علائم انسانی در چهره، یک چیز زنده به نظر می‌آید» (شکویی، ۱۳۹۳: ۱۷۴).^{۱۰} از دیدگاه تحقیقی دیگر، چشم‌اندازهای فرهنگی همچون رسانه، که در واقع تولید هنرمندان و بیانگر ارزش‌های گذشته جامعه است، نمود پیدا می‌کند (فیاض و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۲، به نقل از: ماریوس چپچنسکی). باید توجه داشت که چشم‌اندازهای فرهنگی بیانگر فرآیندهای تاریخی هستند و جغرافیای تاریخی، بازسازی چشم‌اندازهای فرهنگی در گذشته است (شکویی، ۱۳۹۳: ۱۸۰) و در تعریفی خلاصه‌تر «چشم‌انداز فرهنگی به کلیه فعالیت‌های انسانی اطلاق می‌شود که انسان به وسیله آن چهره زمین و محیط خود را در جهت ادامه حیات تغییر می‌دهد» (همان: ۱۷۹، به نقل از: کارل ساور، بنیان‌گذار مکتب جغرافیایی برکلی).

چشم‌انداز همچون متن

یکی از مفاهیمی که در جغرافیای فرهنگی جدید (بعد از ۱۹۷۰) مطرح شده، چشم‌انداز را همانند متن (ادبی یا تئاتر) در کانون مطالعات میان‌رشته‌ای قرار داده و از مفاهیمی چون عینی‌کردن، بازنمایی، آگاهی، ایدئولوژی و روابط متقابل این مفاهیم استفاده می‌کند؛ این جهت‌گیری به بحث میان جغرافیای فرهنگی، انسان‌شناسی و نظریه‌های ادبی می‌انجامد. این نظریه چشم‌انداز را معلول قدرت، ایدئولوژی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌داند و باور دارد که چشم‌انداز جغرافیایی همانند متنی ادبی، از اجزا و بافت‌هایی تشکیل شده و حاصلش زندگی گروه‌های مختلف در درون بافت‌های مختلف است.

بوم‌شناسی فرهنگی

بوم‌شناسی فرهنگی تاریخی مشتمل بر مطالعه تأثیرات متقابل محیط بر فرهنگ، و اثر انسان از طریق فرهنگ بر اکوسیستم است. بوم‌شناسی فرهنگی روابط متقابل بین فرهنگ با محیط طبیعی را بررسی می‌کند و به چگونگی زندگی مردم، محدودیت‌ها و موانع محیطی و اجتماعی می‌پردازد و با تبیین کنش‌های متقابل انسان و محیط زیست، مباحث تکامل‌گرایی فرهنگی را مطرح می‌کند. بوم‌شناسی با نگرشی کل‌نگر سیستم‌ها و اکوسیستم‌های درگیر در چشم‌اندازی جغرافیایی را بررسی می‌کند که هر کدام در درون خود مجموعه‌ای از عوامل نیمه‌مستقل را جا داده‌اند و همگی در راه هدفی واحد، نقش متفاوتی دارند (بررسی این عوامل، بر پایه نظریه عمومی سیستم‌ها است)؛ بوم‌شناسی این بررسی را به منظور تبیین روابط متقابل انسان و محیط انجام داده، و بوم‌شناسی فرهنگی به دنبال تبیین روابط متقابل فرهنگ و محیط است (مهدوی و احمدی، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

وجه جدیدتری از دیدگاه‌های جغرافیایی در زمینه بوم‌شناسی نیز، با عنوان «منظر اکولوژی» مطرح شده که به دنبال بررسی زیست‌بوم، به عنوان پدیده‌ای عینی ذهنی است که عین و واقعیت خارجی، همان بوم‌شناسی، و بخش ذهنی، فهمی بنیادین و تفسیر محیط از دید انسانی در روابط متقابل تفسیرگر با محیط است.

روش تحلیل جغرافیای فرهنگی

در این روش هر مقوله‌ای با چهار پرسش اساسی «چه چیز یا چه کسی؟»، «کجا؟»، «چرا و چگونه؟» و «چه وقت؟» تحلیل می‌شود و برای هر کدام از این پرسش‌ها باید به ترتیب پاسخی از این زمینه‌ها یافت: «مفاهیم فرهنگ»، «ناحیه فرهنگی»، «چشم‌انداز فرهنگی»، «تاریخ فرهنگ و اکولوژی (بوم‌شناسی)». در این دیدگاه، مؤلفه‌های فرهنگی بر اساس نحوه توزیع و پراکندگی مکانی، چرایی، چگونگی، و محل استقرارشان در فضای جغرافیایی، که فضای انسانی است، تفسیر می‌شود (همان: ۱۷۵).

در مدل تحلیلی نگرش سنتی-جدید، گونه‌ای از تحلیل وجود دارد که تلفیقی از پرسش‌های دوره متقدم و متأخر است؛ در جغرافیای سنتی مفاهیم «چه چیز؟»، «در کجا؟»، «در چه زمانی؟» محل توجه است و در جغرافیای جدید، مفاهیم «چگونه؟» و «به چه دلیل؟» در جهت شناخت ساختار بندی و شکل‌گیری شیوه زندگی به مفاهیم سه‌گانه افزوده می‌شود. در این نگرش بین مفاهیم «چگونه؟» و «به چه دلیل؟»، و فلسفه‌های سیاسی، اقتصاد سیاسی، نظریه‌های اجتماعی و مطالعات فرهنگی پیوند استواری وجود دارد (شکویی، ۱۳۹۴: ۲۸۹) و به تأثیرات گروه‌های فرهنگی، مؤسسات، نهادها و تلاش‌های جمعی بشری توجه می‌شود (شکویی، ۱۳۸۹: ۱۳۵). شکویی در تعریف شاخصه‌ای کلی برای تحلیل‌های جغرافیایی، محقق را قبل از ورود به تحقیقات جغرافیایی، ملزم به تفکر درباره این پرسش‌ها می‌کند: «چه نوع جغرافیا؟ برای چه زمانی؟ برای کدام ملت؟» (شکویی، ۱۳۹۳: مقدمه).

بخش دوم؛ چگونگی تدوین، کاربرد و بومی سازی روش تحلیل دانش جغرافیای جدید در علوم حدیث

آنچه امروزه از احادیث امامان (ع) در دسترس است، گزاره های تاریخی منقول از سنت نبوی (ص) یا امامان (ع) است؛ وقتی راوی، کلامی از دهان مبارک امام (ع) می شنود، یا نامه امام (ع) را می خواند، یا حتی امام (ع) را در حال انجام دادن فعلی می بیند؛ فهم کلام را با تأثیر دادن فضا و عوامل صدور حدیث، استنتاج می کند؛ اما اکنون با گزاره ای تاریخی مواجهیم که فضای صدور از آن بریده شده است. برای حل این مشکل شاید بتوان با ضوابطی، فضای صدور کلام امام (ع) را با استفاده از روش تحلیل جغرافیای فرهنگی بازسازی کرد. برای بازسازی فضای صدور پیرامون احادیث، با استفاده از آموزه های جغرافیایی، روش ذیل اجرامی شود.

چگونگی تدوین مدل تحلیلی جغرافیای تاریخی کلام امام (ع)

الف. سرآغاز و تفسیر چشم انداز؛ برای این بازسازی، هر حدیث را همچون چشم اندازی فرهنگی در نظر می گیرند و می کوشند با قواعدی، چشم انداز فرهنگی، در زمینه ای بازسازی شود که کلام امام (ع) در آن زمینه منتقل شده است. همچنین، پیش تر، در بحث چشم انداز فرهنگی، مشخص شد که جغرافیای تاریخی، بازسازی چشم انداز فرهنگی در گذشته است. پیش تر گفتیم که در بینش برخی جغرافی دانان، فرهنگ به منزله علم تفسیری است و در مطالعات جغرافیای فرهنگی، کار را با تفسیر چشم انداز شروع می کنند؛ بر پایه این روش، در نهایت راهی برای تفسیر چشم انداز بر پایه فرهنگ یافت می شود.

ب. به کاربردن روش استعاری؛ این روش همانند روش «چشم انداز همچون متن» که پیش تر معرفی شد، در صدد است با تحقیقی بین رشته ای، روشی تفسیری برای دست یابی به

عوامل پیرامونی کلام امام (ع) بیابد؛ با این تفاوت که در این زمینه الگوی استعاری، برخلاف الگوی جغرافیایی به کار می‌رود؛ یعنی اینجا یک متن (کلام امام (ع)) همچون چشم اندازی فرهنگی در نظر گرفته می‌شود.

ج. چگونگی بومی سازی روش تحلیل جغرافیای فرهنگی؛ برای ترسیم صحیح و منضبط و علمی از چشم انداز فرهنگی ابتدا به نوع تقسیم مطرح شده برای معرفی چشم انداز فرهنگی مراجعه کردیم و از نحوه تقسیمی که شکویی در مطالعات جغرافیای فرهنگی پیشنهاد داده است، پیروی می‌کنیم.

د. تولید، مقوله بندی، طبقه بندی و نظام بندی مفاهیم؛ در مرحله بعد، عناوین فرعی هر بخش، با استفاده از مفاهیم جغرافیایی که ممکن است در علوم حدیث نمود داشته باشد، تعیین می‌شود. در این بخش لازم است با خلاقیت، مفاهیم جدیدی ابداع شود که حالت بین رشته‌ای داشته باشد. جمع‌آوری مفاهیم مؤثر بر حدیث، و عوامل پیرامونی حدیث، با روش تحقیق کیفی، مرحله بعدی تحقیق را تشکیل می‌دهد. در این مرحله سعی می‌شود مفاهیم متعدد و هر چه بیشتری در این زمینه جمع‌آوری گردد و مقوله بندی تکمیل شود و سپس رابطه هر مقوله و عنوان، با عناوین ذیل دسته بندی تحلیل جغرافیایی برقرار شود و تمامی عناوین ذیل این نظام، طبقه بندی گردد. در صورت لزوم، بین عناوین اصلی و فرعی تر، عنوان فرعی اضافه شود. مرحله بعدی ویرایش و نظام بخشی به این چارچوب تحلیلی است. مهم در این مرحله آن است که عناوین بدون هم پوشانی و جامع و کامل باشند، و این نظام مقولات از دید جغرافیایی شاخصه مند، و از نظر علوم حدیث سزاوار استناد باشد. همچنین، با محور معین تحلیل در زمینه خود هماهنگ باشند.

ه. معرفی کلید تحلیل عناوین و تدوین خط سیر تحلیل چشم انداز حدیث؛ سپس نوبت سامان دادن به هر عنوان، با معرفی کلید تحلیل و یافتن بخشی از چشم انداز مربوط به

آن شده و کوشیده‌ایم الگویی برای یافتن زمینه مغفول در موضوع عنوان معرفی کنیم. آنچه در مرحله آخر، تدوین و یکسان‌سازی می‌شود، خط سیری است که با قراردادن کلام امام (ع) در این خط سیر فکری، سلسله‌ای از اطلاعات و تنبهاات پیرامون آن، تولید و پی‌جویی می‌شود که در نهایت جمع این مجموعه به نظام جغرافیای تاریخی کلام امام (ع) می‌انجامد.

روند تحلیل حدیث به مثابه چشم‌انداز فرهنگی؛ شاخصه‌ها، تقسیم‌بندی، محورها و کلیدهای تحلیل

الف. شاخصه‌های کلی تحلیل جغرافیایی در این زمینه

طبق اصول اولیه تحلیل در این زمینه که پیش‌تر اشاره شد،^{۱۲} ابتدا باید نوع، زمان و بهره‌وران را معین کرد.

۱. نوع جغرافیایی که در این زمینه محل رجوع است، جغرافیای فرهنگی است و باید به محدودیت‌ها و شاخصه‌هایش توجه داشت.

۲. دوره زمانی مؤثر بر حدیث (صدور، تدوین، بهره‌وری) نیز باید به دقت بررسی شود. گاه حدیثی از قرن دوم که عالمی آن را در قرن پنجم به کار برده است تحلیل می‌شود (بررسی دوره دویست‌ساله)؛ اما برای استفاده امروزی، دوره دوازده‌قرنی، مدّ نظر قرار می‌گیرد.

۳. راجع به بهره‌وران حدیث نیز باید توجه داشت چه فردی با چه دیدگاه و برای یافتن چه ثمره‌ای به سراغ این حدیث رفته است. چشم‌انداز فرهنگی سامان یافته از هر کدام از اذهان فلسفی، کلامی، فقهی، حدیثی یا تاریخی، متفاوت با دیگری است؛ نکته مهم‌تر اینکه برای چه هدفی این چشم‌انداز تهیه می‌شود؛ چشم‌اندازی که برای تصمیم‌گیری فقهی تدوین می‌شود شاید متفاوت با هدف بهره‌مندی تاریخی یا کلامی باشد.

ب. نظریه پردازی با روش تحقیق کیفی با رویکرد نظریه مبنایی

نظریه مبنایی یا نظریه داده بنیاد، نوعی روش تحقیقی عام، استقرایی و تفسیری است که در این روش، محقق دست به آزمایش یا اعتبارسنجی هیچ فرضیه از پیش تعیین شده‌ای نمی‌زند. نظریه داده بنیاد روشی است برای توسعه نظریه‌های جدید بر اساس تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده به صورت سامانمند. این روش را می‌توان روش تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مدام، با استفاده از خلق مداوم پرسش‌های فراوان، درباره مفاهیم، خصوصیات، و ابعاد مفاهیم تحقیق دانست؛ کشف و مشخص کردن تفاوت و تشابه بین مقوله‌ها، پایه و اساس نظریه مبنایی است.

ج. تقسیم‌بندی، محورها، و کلیدهای تحلیل جغرافیایی در جغرافیای تاریخی

طبق آنچه در قسمت «تقسیم‌بندی بر طبق روش تحلیل جغرافیای فرهنگی» عرضه شد، تدوین چشم‌انداز فرهنگی در چهار حوزه ذیل انجام می‌شود. در این قسمت سعی می‌شود تعریف دقیقی از هر کدام از این عناوین هماهنگ با موضوعات حدیثی مطرح شود. در بازسازی جغرافیای تاریخی، تعدادی اصل کلی را می‌توان برداشت کرد؛ سپس با توجه به اینکه این اصول برای مفاهیم جغرافیایی که مجموعه عواملی مادی دارند، وضع شده‌اند باید به بومی سازی این اصول، در زمینه علوم حدیث پرداخت که ماهیتی کاملاً غیرمادی دارد. در مرحله بعد، محور تحلیل هر عنوان مشخص می‌شود تا همپوشانی برخی مفاهیم قسمت‌های مختلف، بحث را به کلافی سردرگم مبدل نکند. در آخر هر قسمت از معرفی این عناوین نیز، به واحد تحلیل و کلید تحلیل در آن زمینه و نحوه بازگشایی مفاهیم پیرامونی اشاره می‌شود. در مجموع، در چهار بخش، ۳۹۵ مقوله اصلی و فرعی برای بازسازی جغرافیای تاریخی بررسی می‌شود.

بازسازی جغرافیای تاریخی کلام امام (ع) برای تحلیل حدیث به مثابه چشم اندازی فرهنگی

۱. بازسازی موضوعات فرهنگی حدیث

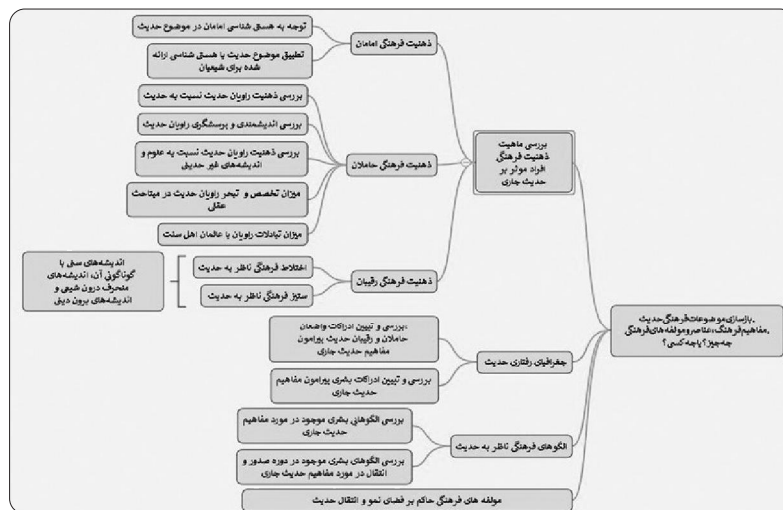
الف. تعریف محدوده بحث: با بررسی مفاهیم فرهنگ، گروه‌های جمعیتی، عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی آغاز می‌شود و عواملی که حالت فرهنگی محض دارند، استنتاج می‌گردد. در این قسمت مقولاتی همچون ذهنیت فرهنگی افراد مؤثر بر حدیث، جغرافیای رفتاری حدیث، الگوهای فرهنگی و مؤلفه‌های فرهنگی در ضمن ۲۰ مقوله اصلی و فرعی جمع‌آوری شده است (نک: نمودار ۱).

ب. محور تحلیل: عوامل غیرمادی و ذهنی فرهنگ.

ج. واحد تحلیل: کلیه اطلاعات درباره مفاهیم فرهنگ، گروه‌های جمعیتی، عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی.

د. کلید تحلیل: کلیدهای تحلیل «چه چیز؟ یا چه کسی؟» به بازشناسی، عنوان بندی و تولید پرسش‌های جدید می‌انجامد.

در این بخش از روش حساسیت نظری^{۱۳} برای گسترش میزان و ابعاد اطلاعات استفاده می‌شود.



نمودار ۱. سطح اول از نمودار مفهومی بخش اول: بازسازی موضوعات فرهنگی حدیث

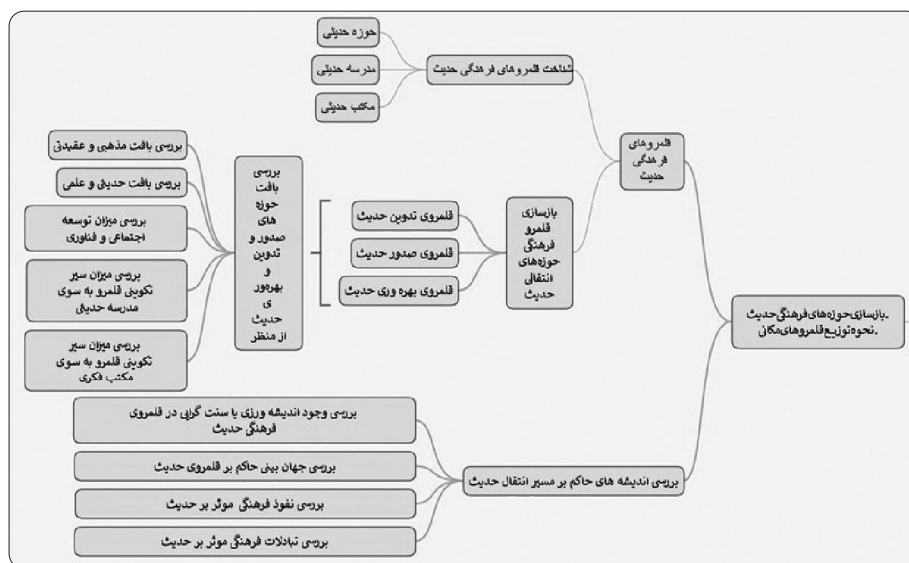
۲. بازسازی حوزه‌های فرهنگی حدیث

الف. تعریف محدوده بحث: با بررسی ناحیه فرهنگی، قلمروهای مکانی و محدوده نواحی در دست مطالعه در سطوح ناحیه‌ای و منطقه‌ای فرهنگ، و نحوه توزیع و پراکندگی مکانی، عوامل فرهنگی که با عنصر مکان مرتبط باشند، تجزیه و استنتاج می‌شود (بررسی توأمان فرهنگ و مکان). در این قسمت قلمروهای فرهنگی حدیث به دو گونه شناخت قلمرو و بازسازی قلمرو، و بررسی اندیشه‌های حاکم بر مسیر انتقال با ۱۹ مقوله اصلی و فرعی تحلیل می‌شود (نک: نمودار ۲).

ب. محور تحلیل: عواملی که ارتباط توأمان با فرهنگ و مکان دارند.

ج. واحد تحلیل: کلیه اطلاعات مکانی در محدوده بحث به منظور دست‌یابی به نحوه توزیع و پراکندگی مکانی تحلیل می‌شود.

د. کلید تحلیل: با کلید تحلیل «کجا؟» با استفاده از روش ارتقای حساسیت نظری اطلاعات مرتبط با فرهنگ و مکان گسترش می‌یابد.



نمودار ۲. نمودار مفهومی بخش دوم: بازسازی حوزه‌های فرهنگی حدیث

۳. بازسازی چشم انداز جغرافیای فرهنگی حدیث

این بخش در روش تحلیل جغرافیایی، به چرایی و چگونگی تبیین علی و معلولی در بررسی هایی می انجامد که عموماً در حوزه جغرافیای فرهنگی جای دارند.

الف. تعریف محدوده بحث:

به بررسی چرایی، چگونگی و تبیین علی و معلولی در زمینه جغرافیای فرهنگی و در حوزه ارزش ها، باورها، و نگرش ها می پردازیم، و کلیه عوامل فرآیندگونه را که در طول تاریخ برای آن تغییر و تطور محتمل است، و همراهی توأمان فرهنگ، مکان و زمان در آن وجود دارد استنتاج می کنیم. در این قسمت نیز فرآیند تکاملی قلمرو انتقالی، مؤلفه های حدیث پژوهی چشم انداز بررسی، و گزاره های تاریخی حدیث نقد شده و در انتها خط سیر انتقالی حدیث به پنج شیوه ترسیم شده و اینها ذیل ۳۰ مقوله اصلی و فرعی، حدیث را بررسی می کند (نک: نمودار ۳).

ب. محور تحلیل:

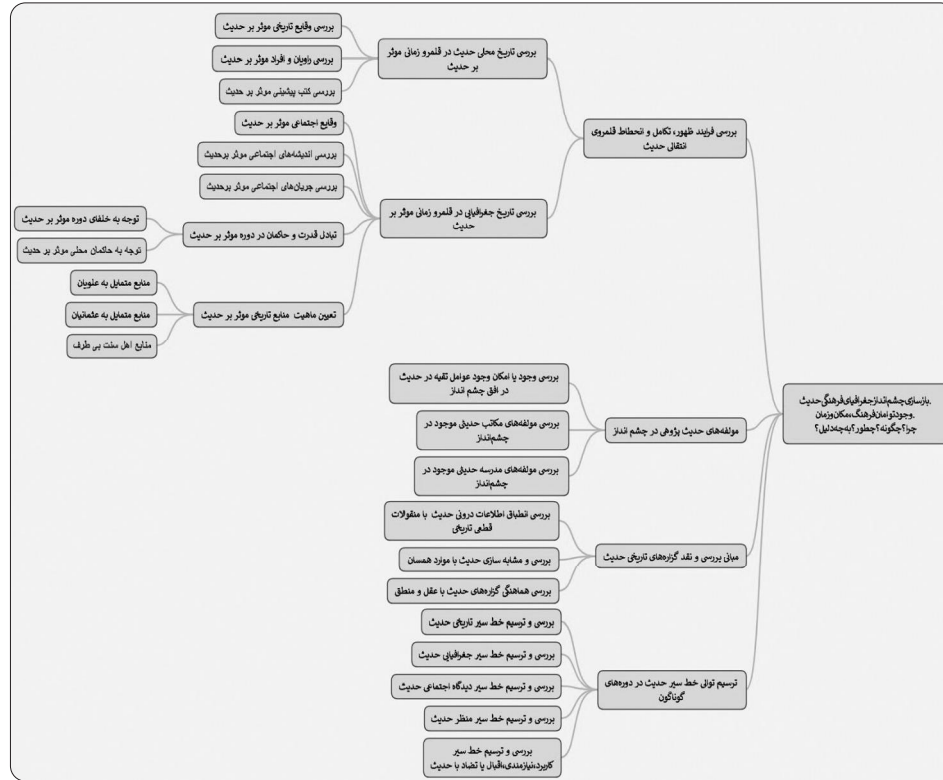
در زمینه چشم انداز فرهنگی حدیث هر مفهومی که هر سه عامل فرهنگ، مکان، و زمان را توأمان داشته باشد بررسی می شود.

ج. واحد تحلیل:

کلیه اطلاعات درباره محدوده بحث تا رسیدن به پاسخ هایی در زمینه چرایی، چگونگی و تبیین علی و معلولی عوامل، ادامه پیدا می کند.

د. کلید تحلیل:

کلیه مفاهیم مد نظر با کلیدهای تحلیل «چرا؟ چگونه؟ چگونه؟ به چه دلیل؟» و گسترش اطلاعات، با استفاده از روش ارتقای حساسیت نظری، بررسی می شود.



نمودار ۳. سطح اول از نمودار مفهومی بخش سوم: بازسازی چشم‌انداز جغرافیای فرهنگی حدیث

۴. بازسازی بوم‌شناسی فرهنگی حدیث

اکنون برای بومی‌سازی تحلیل جغرافیایی، در میان دو خاستگاه اصلی بوم‌شناسی فرهنگی (جغرافیا و انسان‌شناسی)، حدیث‌شناسی، جایگزین انسان‌شناسی می‌شود؛ در این زمینه کلیه مسائلی بررسی می‌شود که به ساختار درونی حدیث و جغرافیا مربوط است. به سبب گستردگی مقولات ذیل این بخش، چهار دسته را برمی‌شمریم. این بخش گسترده‌ترین قسمت در این مدل تحلیلی است و ۳۲۶ مقوله

مؤثر بر حدیث در این زمینه شناسایی و در این مدل تحلیلی نمایه و در جایگاه سیستمی مطلوب جای‌گذاری شده است (نک: نمودارهای ۴ الی ۱۱).

محدوده بحث دسته نخست؛ تکوین فرهنگی بوم‌شناسی حدیث:

با بررسی تاریخ فرهنگ و بوم‌شناسی حدیث، و روابط متقابل بین فرهنگ حدیث و محدثان با محیط فرهنگی پیرامونی، به چگونگی سیر تشکیل و رشد مفاهیم حدیث، محدودیت‌ها و موانع محیطی و اجتماعی حدیث می‌پردازیم. در این دسته ابرمقولاتی همچون فرهنگ روایتگری، نهادهای فرهنگی مؤثر بر حدیث، فرآیندهای تکاملی و عوامل ورود حدیث با زیرمجموعه‌های گسترده‌اش بررسی می‌شود.

محور تحلیل:

تحولات فرهنگی نشانه‌ای از وجود عامل چهارم، یعنی سیستم درونی حاکم بر جغرافیا است و نمود آن در مباحث جغرافیایی، اکوسیستم‌های طبیعی و سیستم‌های اجتماعی است؛ بنابراین، تمامی مفاهیم این زمینه با چهار محور (فرهنگ، مکان، زمان و سیستم) دسته‌بندی و تحلیل می‌شود.

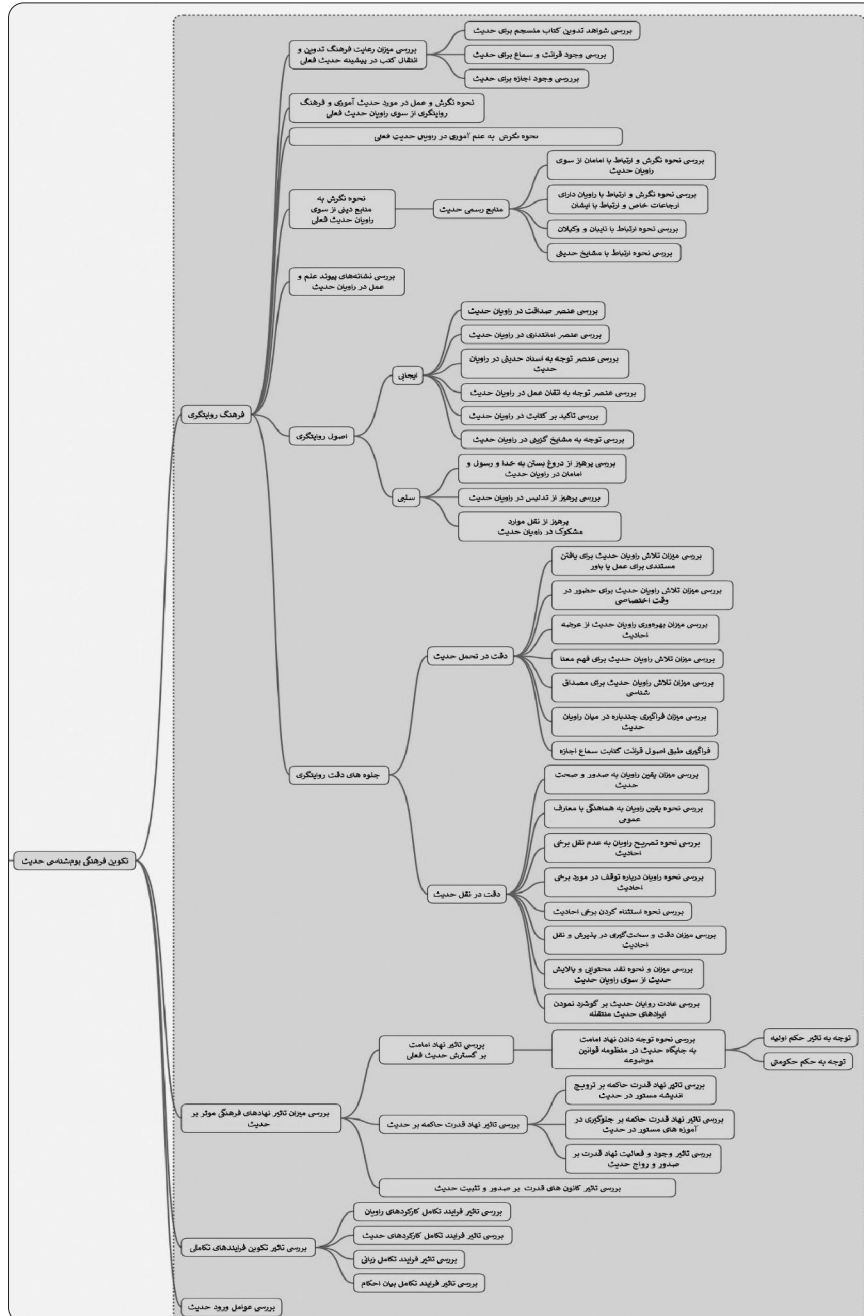
واحد تحلیل:

تاریخ فرهنگ و بوم‌شناسی حدیث، روند تشکیل و رشد مفاهیم حدیث، محدودیت‌ها و موانع محیطی و اجتماعی دربرگیرنده حدیث است.

کلید تحلیل:

بازسازی بوم‌شناسی فرهنگی حدیث طبق روش تحلیل جغرافیایی، با کلید تحلیل «چه وقت؟» و با روش ارتقای حساسیت نظری، پرسش‌های بیشتری درباره نحوه توزیع و پراکندگی زمانی، چرایی و چگونگی پدیده‌های محل بحث، پیش می‌نهد.

درآمدی بر مدل تحلیلی بازسازی جغرافیای تاریخی برای فهم دقیق کلام امامان (ع) / ۸۱

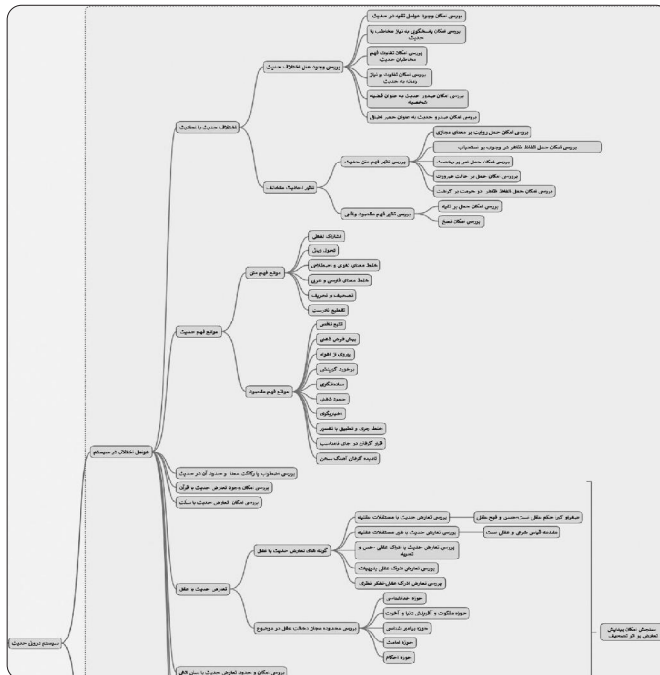


نمودار ۴. نمودار دسته اول از بازسازی بوم‌شناسی فرهنگی حدیث با عنوان تکوین فرهنگی بوم‌شناسی حدیث

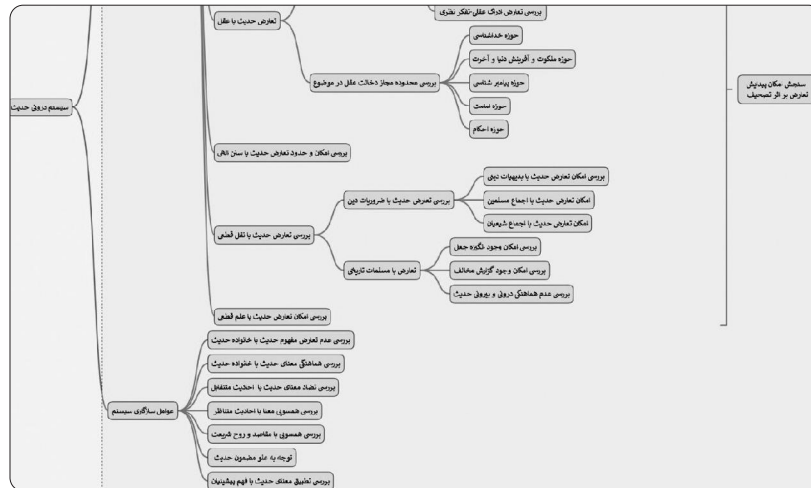
محدوده بحث دسته دوم؛ سیستم درونی حدیث: با نگرشی کل نگر، سیستم گسترده حدیث بررسی می شود تا کنش ها و روابط متقابل حدیث و محیط تبیین، و مباحث تکامل گرایی فرهنگی به نحو صحیح معرفی شود. در این دسته در نیمه اول (نمودار ۵) ذیل مقوله عوامل اختلال در سیستم، ابرمقولاتی همچون اختلاف حدیث، موانع فهم حدیث، و تعارض حدیث با «قرآن، سنت، عقل، سنن الاهی، نقل و علم قطعی» ذیل زیرمجموعه های گسترده اش بررسی می شود؛ همچنین، در نیمه دوم (نمودار ۶) عوامل سازگاری سیستم حدیث با احادیث هم خانواده، متخالف، متقابل، و متناظر سنجیده می شود و به علو مضمون و فهم پیشینیان اعتنای می کنیم. محور تحلیل: همانند دسته قبل.

واحد تحلیل: سیستم حدیث است و کنش ها و روابط متقابل حدیث و محیط و سیستم و چگونگی ارتباط این زمینه با تکامل گرایی فرهنگی.

کلید تحلیل: همانند دسته قبل.



نمودار ۵. نمودار دسته دوم از بازسازی بوم شناسی فرهنگی حدیث با عنوان سیستم درونی حدیث. نیمه اول: عوامل اختلال در سیستم



نمودار ۶. نمودار دسته دوم از بازسازی بوم‌شناسی فرهنگی حدیث با عنوان سیستم درونی حدیث. نیمه دوم: عوامل سازگاری سیستم

محدوده بحث دسته سوم؛ زیست بوم حدیث: همان‌گونه که بوم‌شناسی متشکل از دو عنصر زیست بوم، و در مقابل آن جاندار یا انسان است، در بوم‌شناسی فرهنگی حدیث به عناصر درونی زیست بوم حدیث توجه می‌شود؛ این زیست بوم همان ساختار درونی حدیث (طریق به صاحب کتاب، سند حدیث و متن) است.

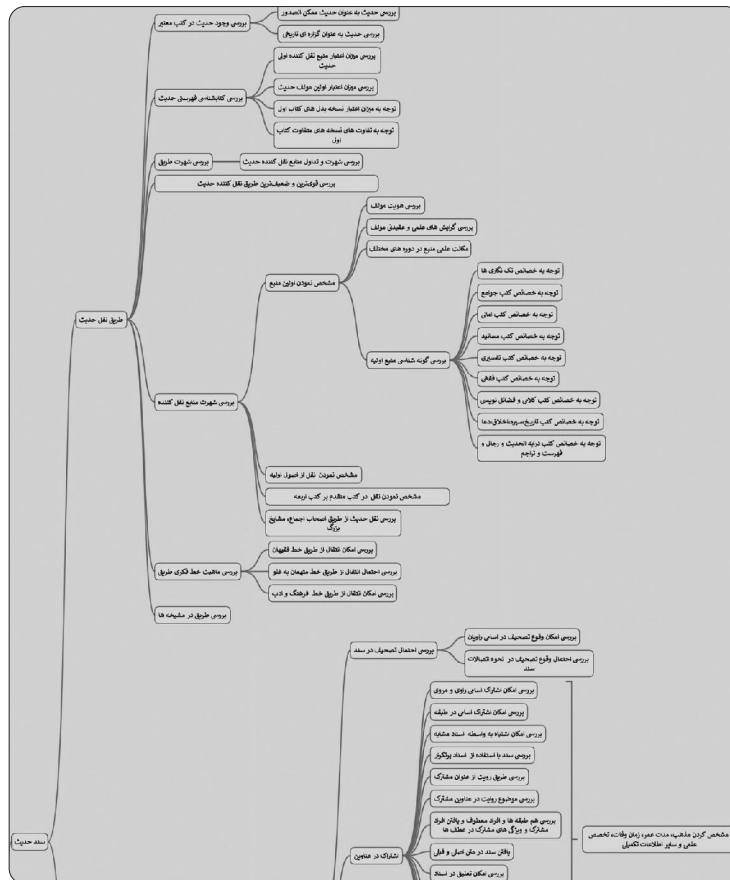
در نیمه اول زیست بوم حدیث (نمودار ۷ و ۸) سند حدیث بررسی می‌شود. ذیل بخش سند ابتدا به طریق حدیث (نمودار ۷) و وجود آن در کتب معتبر، بررسی کتاب‌شناسی، شهرت طریق، شهرت منابع نقل‌کننده، خط فکری طریق و چگونگی طریق در مشیخه‌ها می‌پردازیم. بخش بعدی نیز (نمودار ۸) سنجه‌های بوم‌شناسی است که با دیدگاه‌های تراجم، فهرستی و رجالی (همچون راوی‌شناسی، سندشناسی، تصحیف، اشتراک در سند و...) آن را بررسی می‌کند. در نیمه دوم زیست بوم حدیث (نمودار ۹ و ۱۰) متن حدیث بررسی می‌شود و ذیل بخش اول آن (نمودار ۹) و برای شناخت دقیق معنای متن، اموری همچون لغات، اشتراک لفظی، خلط معنا، احتمالات معنایی و الگوهای بیانی بررسی می‌گردد. ذیل بخش دوم همان نمودار برای شناخت دقیق مفهوم متن، اموری همچون ظهور کلام، سنجه‌های دلالتی متن، شناسایی حیطه

علمی متن، بازیابی پرسش مقدر متن بررسی می شود. در ادامه بخش، متن حدیث (نمودار ۱۰) مصداق متن، بررسی، و نقد درونی حدیث با بررسی امکان تحریف، تصحیف و وضع سنجدیه می شود. در پایان نیز شناخت دقیق مقصود واقعی با به دست آوردن بطن حدیث، شناخت به منظور صدور حدیث، بازیابی قرینه ها و بازیابی علل حدیث انجام می شود.

محور تحلیل: همانند دسته قبل.

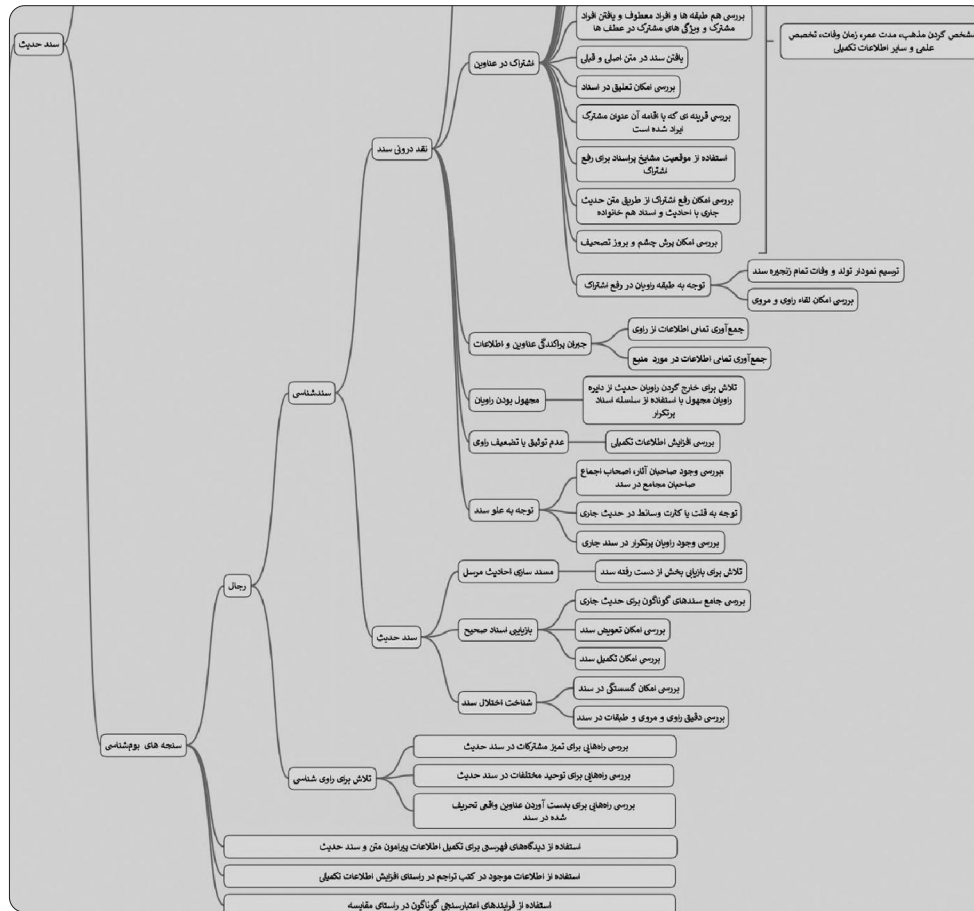
واحد تحلیل: ساختار درونی حدیث (طریق به صاحب کتاب، سند حدیث و متن) خواهد بود.

کلید تحلیل: همانند دسته قبل.

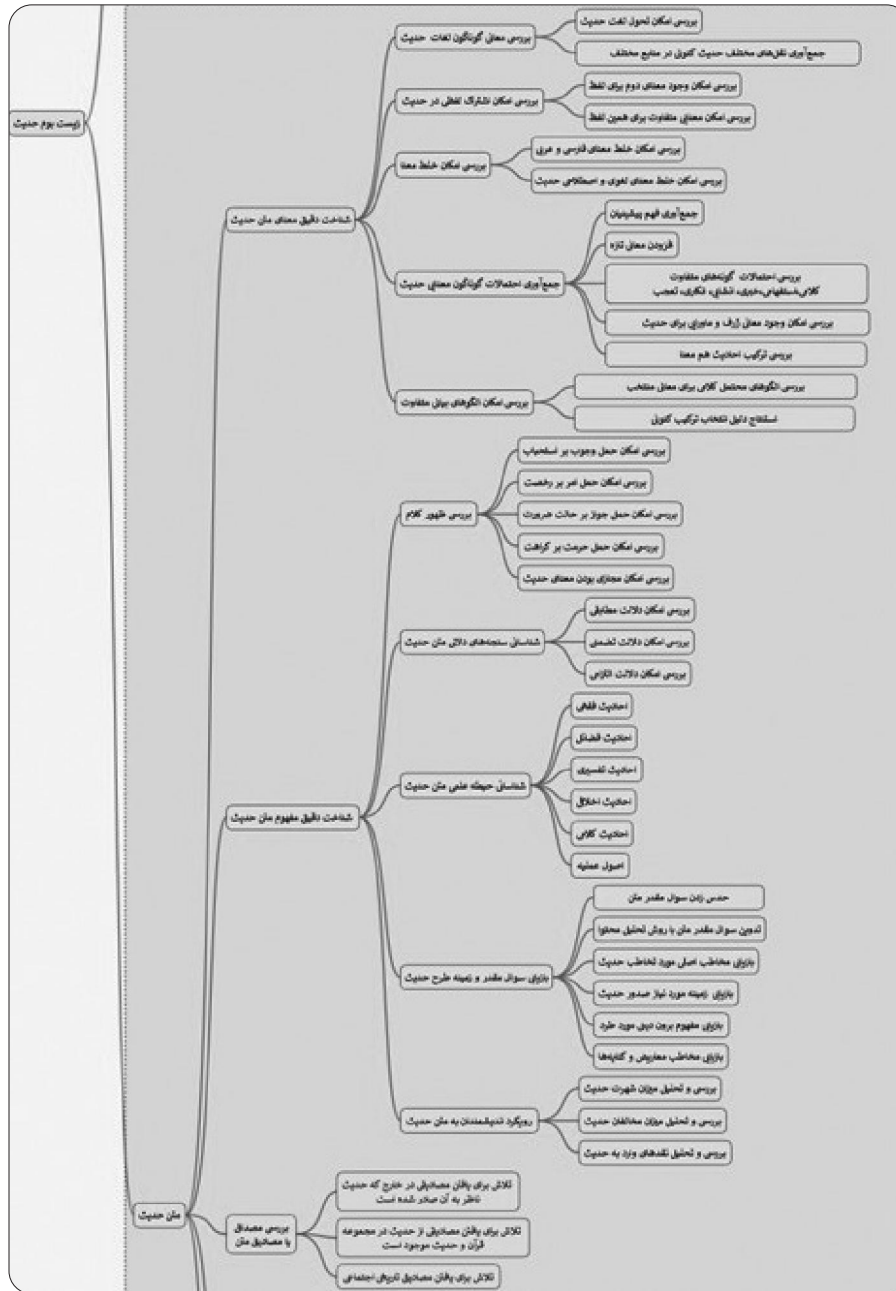


نمودار ۷. نمودار دسته سوم از بازسازی بوم شناسی فرهنگی حدیث با عنوان زیست بوم حدیث. بخش اول از زیست بوم با عنوان سند حدیث: قسمت اول مشتمل بر طریق حدیث

درآمدی بر مدل تحلیلی بازسازی جغرافیای تاریخی برای فهم دقیق کلام امامان (ع) / ۸۵

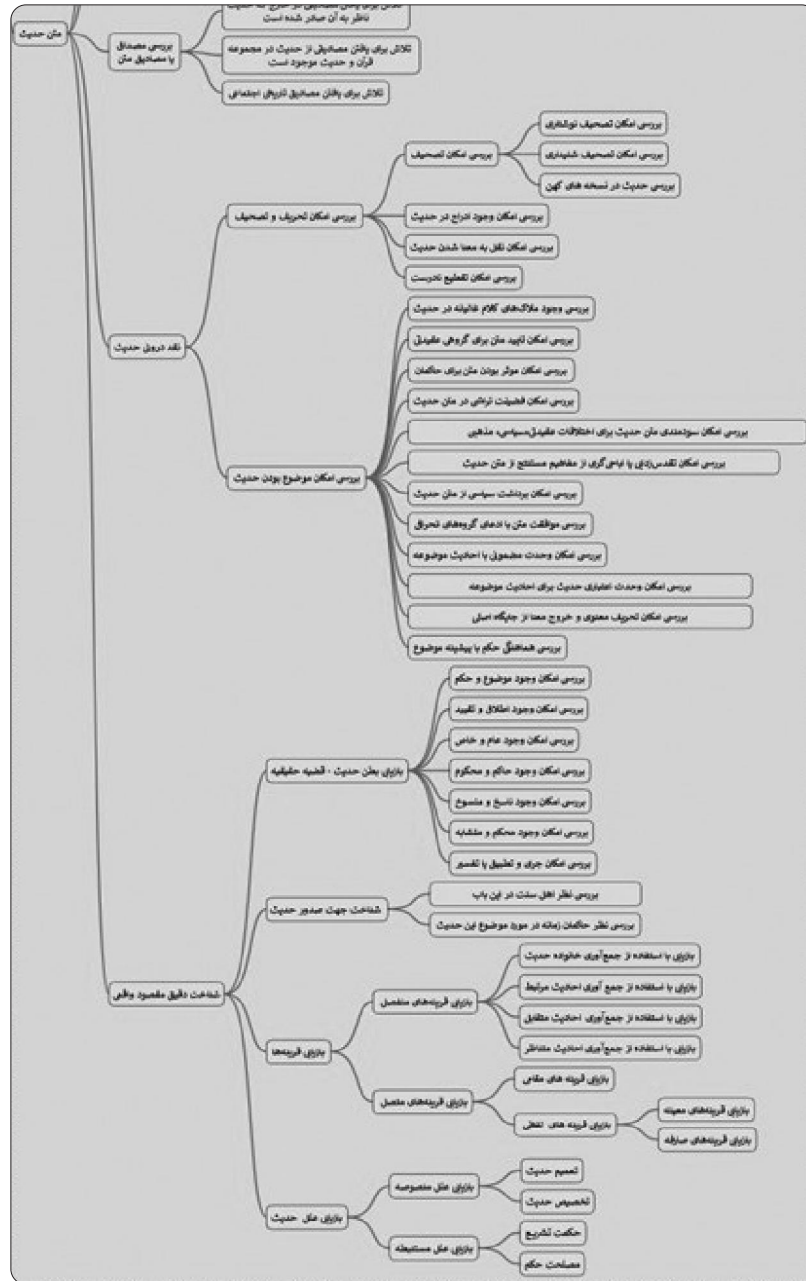


نمودار ۸. نمودار دسته سوم از بازسازی بوم‌شناسی فرهنگی حدیث با عنوان زیست‌بوم حدیث. بخش اول از زیست‌بوم با عنوان سند حدیث: قسمت دوم مشتمل بر سنجه‌های بوم‌شناسی



نمودار ۹. دسته سوم از بازسازی بوم‌شناسی فرهنگی حدیث با عنوان زیست بوم حدیث. بخش دوم از زیست بوم با عنوان متن حدیث: قسمت اول مشتمل بر معنا، مفهوم و مصداق متن حدیث

درآمدی بر مدل تحلیلی بازسازی جغرافیای تاریخی برای فهم دقیق کلام امامان (ع) / ۸۷

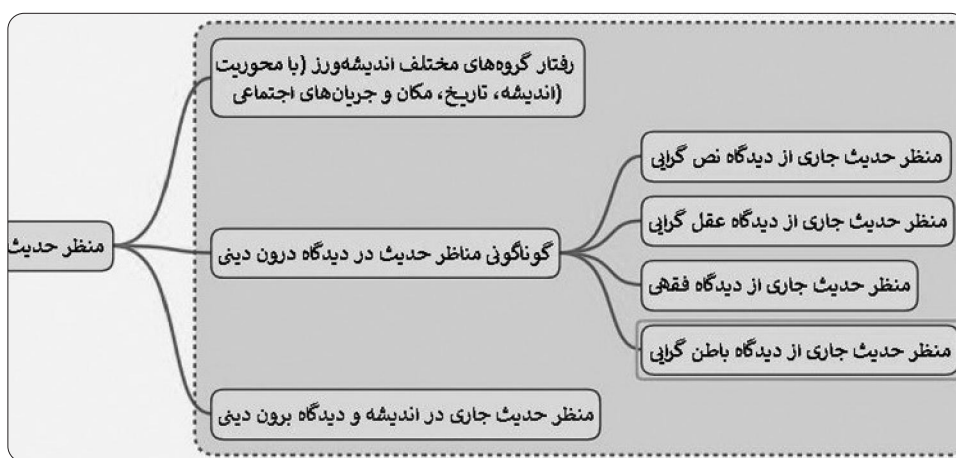


نمودار ۱۰. نمودار دسته سوم از بازسازی بوم‌شناسی فرهنگی حدیث با عنوان زیست‌بوم حدیث. بخش دوم از زیست‌بوم با عنوان متن حدیث: قسمت دوم مشتمل بر نقد درونی و مقصود واقعی

تعریف محدوده بحث دسته چهارم؛ منظر حدیث: عنوان پدیده‌ای عینی ذهنی است که بوم‌شناسی حدیث وجه عینی آن است و وجه ذهنی، همان فهم بنیادین و تفسیر حدیث در ذهن انسانی است؛ بنابراین، منظر حدیث در زیست‌بوم‌های فرهنگی، متفاوت بررسی می‌شود؛ با این دید، منظر حدیث نوع نگرش به مقوله حدیث، یا حدیث تحت بررسی، در جغرافیایی فرهنگی خواهد بود. در این زمینه (همانند نمودار ۱۱) ابتداء رفتار گروه‌های اندیشه‌ورز راجع به حدیث جاری بررسی می‌شود؛ سپس رویکرد منظر حدیث جاری از دیدگاه درون‌دینی (طبق دیدگاه‌های نص‌گرایی، عقل‌گرایی، فقهی و باطن‌گرایی) و برون‌دینی بررسی می‌گردد.

محور تحلیل: همانند دسته قبل.

واحد تحلیل: فهمی بنیادین از حدیث در جغرافیای فرهنگی مزبور است که منظر حدیث را در زیست‌بوم‌های فرهنگی گوناگون به تصویر می‌کشد.
کلید تحلیل: همانند دسته قبل.



نمودار ۱۱. نمودار دسته چهارم از بازسازی بوم‌شناسی فرهنگی حدیث با عنوان منظر حدیث.

نتیجه

جمع‌بندی اطلاعات حاصل از پرسش‌های مطرح‌شده در این مدل تحلیلی، مجموعه‌ای در خور استناد برای فهم دقیق‌تر کلام امامان (ع) فراهم می‌کند. این مدل الگویی به عنوان خط سیری نظم‌دهنده به حرکت علمی، جایگاه و نوع توجهات را مشخص می‌کند. اکنون و پس از معرفی این مدل تحلیلی و بررسی نمودارهای مفهومی، مشخص شده است که تمامی مقولات محل توجه در زمینه علوم حدیث در مدلی مفهومی به صورت سامانمند بررسی شده‌اند؛ این تولید و نظم‌دهی به مقولات بر اساس اصول روش تحقیق کیفی به شیوه مبنایی صورت پذیرفته است. با معرفی این مدل تحلیلی، هدف اصلی این تحقیق که تدوین روشی برای بررسی دقیق‌تر کلام امام (ع) بوده، محقق شده است.^{۱۴}



پی‌نوشت‌ها

۱. «مجموعه ویژگی‌هایی که ما را با فضای صدور سخن از امام (ع) آشنا می‌سازد؛ خواه سبب صدور حدیث باشد و یا انگیزه صدور روایت را معلوم نکند، ولی مجموعه فرهنگ، باور و فضای صدور سخن امام (ع) را روشن می‌سازد» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۹۳).
۲. علت تغییر مسیر بحث از کلام امام (ع) به حدیث، در پایان این مقدمه و با ارائه تعریف مختار از کلام امام (ع) مشخص می‌شود.
۳. برای گزارشی از ده‌ها کتاب از این دست که در این دوره تألیف شده نک: مؤدب، ۱۳۸۸: ۱۶۰.
۴. «سیر تولد، رشد، دوران گوناگون، نگرش‌های متفاوت و حوادث پدیدآمده بر حدیث و محدثان» (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۴).
۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده (نویسنده مسئول)، با همین هدف و با به تصویر کشیدن مبسوط عوامل مؤثر بر این بستر تدوین شده است؛ نک: پورنعمان، ۱۳۹۰.
۶. مثلاً، امروزه تحقیقات صنعتی کشور به صنعت متصل نیست؛ محقق بدون توجه به نیاز صنعتگر، تحقیق می‌کند و صنعتگر نمی‌تواند از تحقیق دانشگاهی برای ارتقای کیفیت صنعت خویش

- سود ببرد. اکنون نیز مطالب بسیار ارزشمندی ذیل این پنج مبحث (مباحث فقه‌الحديث، تاریخ حدیث، حوزه‌ها و مکاتب حدیثی، و دیدگاه‌های رجالی و فهرستی) تدوین شده، اما هنوز به سیستمی پویا تبدیل نشده که محققان در هنگام مواجهه با حدیث بتوانند اطلاعاتشان را بیفزایند و از ثمراتش در غایت تحقیق، یعنی فهم دقیق حدیث، سود ببرند. از آن سوی میدان اما مبحث فقه‌الحديث، بیشتر از این به سیستمی پویا و قاعده‌مند مبدل شده است.
۷. وی یکی از ارکان علم جغرافیا در ایران محسوب می‌شود و رشد و به‌روزرسانی این دانش در نیم قرن اخیر حاصل اندیشه‌ورزی‌های دقیق ایشان است؛ در سال ۱۳۸۴ و در همایش چهارم چهره‌های ماندگار، ایشان به عنوان چهره ماندگار دانش جغرافیا معرفی شد.
۸. دوره اول: دوره موضوعات جغرافیایی با جنبه‌های توصیفی؛ دوره دوم: دوره مطالعه و کشف نظام معین و وضع قوانین جغرافیا (شکویی، ۱۳۸۹: مقدمه).
۹. طبق این دیدگاه، جلوه‌های فرهنگ از ماده تا معنا بدین صورت است: الف. مصنوعات بشری در زمینه‌های علوم، فنون، هنر، معماری و ...؛ ب. نمادها، علائم، نشانه‌ها و زبان؛ ج. ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها.
۱۰. همچنین، راه‌های تشریح چشم‌انداز را با نه عامل «طبیعت، سکونتگاه، زیستگاه، آثار انسان‌ساخت، ثروت، نظام، ایدئولوژی، تاریخ، مکان، زیباشناسی» معرفی می‌کند (شکویی، ۱۳۹۳: ۱۷۳).
۱۱. با توجه به این چهار مقوله اساسی در تحلیل جغرافیای فرهنگی، امور ذیل بررسی می‌شود:
۱. گروه‌های جمعیتی و عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی (مادی و معنوی) مد نظر در مکان و فضا تعیین شود؛ ۲. قلمروهای مکانی و محدوده نواحی در دست مطالعه در سطوح ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ... مشخص شود؛ ۳. چرایی و چگونگی تبیین علی و معلولی در بررسی‌های جغرافیای فرهنگی لحاظ گردد. با توجه به اینکه هر پدیده‌ای در دوره‌های مختلفی ظهور، و تغییر و تحولات فرهنگی دارد، لازم است دوره زمانی مشخص شود (همان: ۱۷۶).
۱۲. الزام محقق جغرافیایی به تعیین این قواعد در ابتدای تحقیق: «چه نوع جغرافیا؟ برای چه زمانی؟ برای کدام ملت؟» (شکویی، ۱۳۹۳: مقدمه).

۱۳. با این روش می‌توان یک مفهوم، یک جمله یا یک پاراگراف را تجزیه و تحلیل کرد و انبوهی از پرسش‌های جدید از درون متن بیرون کشید؛ این پرسش‌های جدید به گسترش خصوصیات و ابعاد مفهومی تحقیق کمک خواهد کرد (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۳۹).

۱۴. در تحقیق اصلی برای ذیل هر مقوله توضیحی مختصر و چندین پرسش براساس کلیدهای تحلیل نیز وجود دارد که به گسترش اطلاعات درباره حدیث کمک می‌کند (حدود هزار سؤال). علاقمندان برای اطلاع از جزئیات تحقیق می‌توانند به منبع اصلی مراجعه کنند.



منابع

- «جغرافیا»، در: <https://fa.wikifeqh.ir>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱.
- استراس، انسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۹۰). «حساسیت نظری»، در: اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پورنعمان، احسان (۱۳۹۰). بستر تاریخی نقل احادیث شیعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، استاد راهنما: عبدالهادی مسعودی، قم: دانشگاه اصول‌الدین.
- پورنعمان، احسان (۱۳۹۲). «عوامل پنهان خطا در تضعیفات رجالی»، در: حدیث پژوهی، ش ۱۰، ص ۲۴۸-۲۰۱.
- شکویی، حسین (۱۳۹۳). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ج ۱.
- شکویی، حسین (۱۳۹۴). فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی؛ جلد دوم از اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- شکویی، سید حسین (۱۳۸۹). فلسفه جغرافیا، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۳۸۹). تاریخ حدیث شیعه (۱): عصر حضور، تهران: سمت.

- طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۳۹۰). منطق فهم حدیث، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طوسی، محمد بن حسن؛ کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸). اختیار معرفة الرجال، مشهد: دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مرکز تحقیقات و مطالعات.
- فیاض، ابراهیم؛ سرافراز، حسین؛ احمدی، علی (۱۳۹۰). «نشانه شناسی چشم اندازهای فرهنگی در جغرافیای فرهنگی؛ راهبردی مفهومی برای کشف معنا»، در: تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، ش ۴، ص ۹۱-۱۱۶.
- گوردون ایست، دابلو (۱۳۹۲). تاریخ در بستر جغرافیا، ترجمه: حسین حاتمی نژاد، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- لعل شاطری، مصطفی (بی تا). «دانش جغرافیای تاریخی، عاملی کاربردی در راستای الگوی پایه پیشرفت»، در: مجموعه آثار و مقالات برگزیده دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، بی جا: بی نا.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۶). روش فهم حدیث، تهران: سمت.
- مهدوی، مسعود؛ احمدی، علی (۱۳۹۰). «جغرافیای فرهنگی، تبیین نظری و روش شناختی، کاربرد در مطالعات نواحی فرهنگی»، در: پژوهش فرهنگی، س ۱۲، ش ۱۳، ص ۱۵۵-۱۸۳.
- مؤدب، سید رضا (۱۳۸۸). تاریخ حدیث، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- نورایی، مرتضی (۱۳۹۰). «سرسخن: جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی: تعاملات و تمایزات»، در: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۶۳، ص ۲-۷.

References

- "Geography", in: <https://fa.wikifeqh.ir>, access date: 2023/01/01.
- East, William Gordon. 2014. *Tarikh dar BeStar Joghrafiya (The Geography behind History)*, Translated by Hoseyn Hataminejad, Tehran: Research Institute of Islamic History. [in Farsi]
- Fayyaz, Ibrahim; Sarafraz, Hoseyn; Ahmadi, Ali. 2012. "Neshaneshenasi Cheshmandaz-hay Farhangi dar Joghrafiyay Farhangi; Rahbordi Mafhumi baray Kashf Mana

- (Semiotics of Cultural Perspectives in Cultural Geography; A Conceptual Strategy for Discovering Meaning)", in: Cultural Research, yr. 4, no. 4, pp. 91-116. [in Farsi]
- Lal Shateri, Mostafa. n.d. "Danesh Joghrafiyay Tarikhi, Ameli Karbordi dar Raštay Olguy Payeh Pishraft (Knowledge of Historical Geography, a Practical Factor in Line with the Basic Model of Progress)", in: Collection of Selected Works and Articles of the 10th Congress of Pioneers of Progress, n.p: n.pub. [in Farsi]
 - Mahdawi, Masud; Ahmadi, Ali. 2012. "Joghrafiyay Farhangi, Tabyin Nazari wa Raweshshenakhti, Karbord dar Motaleat Nawahi Farhangi (Cultural Geography, Theoretical and Methodological Explanation, Application in Studies of Cultural Areas)", in: Cultural Research, yr. 12, no. 13, pp. 155-183. [in Farsi]
 - Masudi, Abd al-Hadi. 2008. Rawesh Fahm Hadith (The Method of Understanding Hadith), Tehran: Samt. [in Farsi]
 - Moaddab, Seyyed Reza. 2010. Tarikh Hadith (History of Hadith), Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. [in Farsi]
 - Nurayi, Morteza. 2012. "Sar Sokhan: Joghrafiyay Tarikhi wa Tarikh Mahalli: Taamolat wa Tamayozat (Introduction: Historical Geography and Local History: Interactions and Distinctions)", in: Book of History and Geography, no. 163, pp. 2-7. [in Farsi]
 - Purnoman, Ehsan. 2012. Beštār Tarikhi Naghl Ahadith Shia (The Historical Background of Shia Hadith Transmission), Master's Thesis of Quranic and Hadith Sciences, Supervisor: Abd al-Hadi Masudi, Qom: Usul al-Din University. [in Farsi]
 - Purnoman, Ehsan. 2014. "Awamel Penhah Khata dar Tazifat Rejali (Hidden Factors of Error in Disapproval of Narrators)", in: Hadith Studies, no. 10, pp. 201-248. [in Farsi]
 - Shokuyi, Hoseyn. 2015. Andisheh-hay No dar Falsafeh Joghrafiya (New Ideas in the Philosophy of Geography), Tehran: Institute of Geographical and Cartographic Gitaology, vol. 1. [in Farsi]
 - Shokuyi, Hoseyn. 2016. Falsafeh-hay Mohiti wa Maktab-hay Joghrafiyayi; Jeld Dowwom az Andisheh-hay No dar Falsafeh Joghrafiya (Environmental Philosophies and Geographical Schools; The Second Volume of New Ideas in the Philosophy of Geography), Tehran: Institute of Geographical and Cartographic Gitaology. [in Farsi]
 - Shokuyi, Seyyed Hoseyn. 2011. Falsafeh Joghrafiya (Philosophy of Geography), Tehran: Institute of Geographical and Cartographic Gitaology. [in Farsi]

- Strauss, Anselm; Corbin, Juliet. 2012. "Hasasiyat Nazari (Theoretical Sensitivity)", in: Principles of Qualitative Research Method, Basic Theory; Procedures and Practices, Translated by Biyuk Mohammadi, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Farsi]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Kazem. 2011. Tarikh Hadith Shia 1: Asr Hozur (History of Shia Hadith 1: Age of Presence), Tehran: Samt. [in Farsi]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Kazem. 2012. Mantegh Fahm Hadith (The Method of Understanding Hadith), Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [in Farsi]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan; Kashi, Mohammad ibn Omar. 1970. Ekhtiyar Marefah al-Rejal, Mashhad: University of Mashhad, Faculty of Theology and Islamic Studies, Center for Research and Studies. [in Arabic]